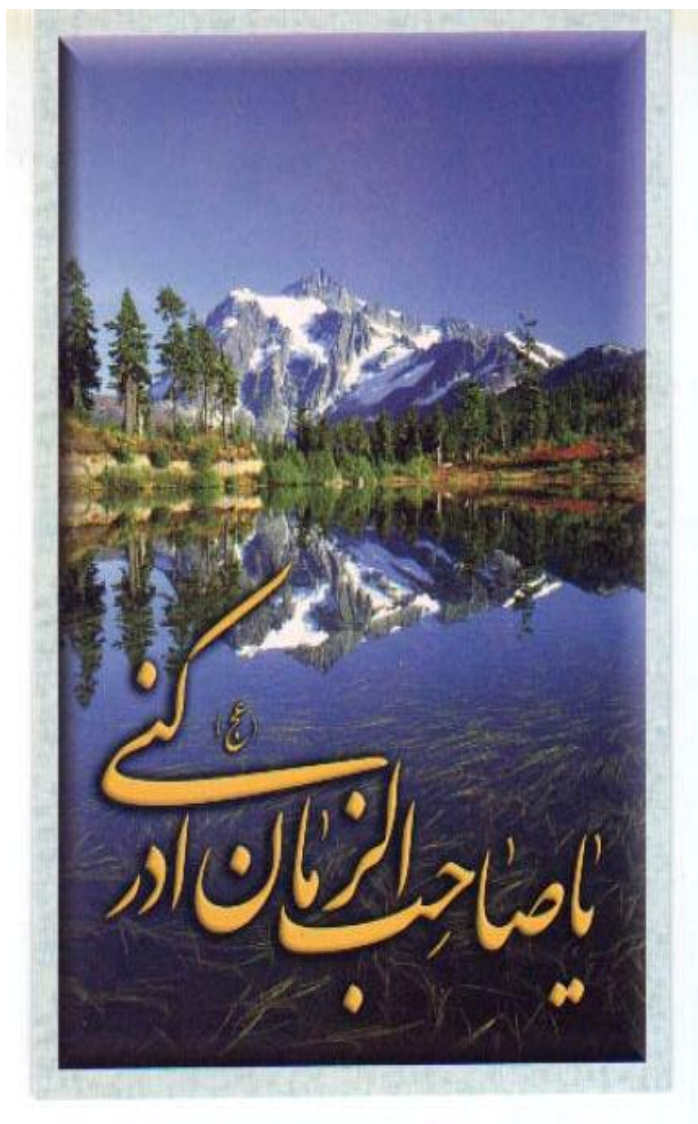


بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إنه خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الآبدين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَوْجُ مَرْمَرِ



حضرت ابوالفضل عليه السلام فرمود: بگو یا صاحب الزمان!

آقای مکارمی نقل کرده است که:
از یکی از شهرهای استان شیراز شخصی همراه عمویش برای ماهیگیری به کنار ساحل دریای جنوب می‌رود، و در آنجا بطور ناگهانی و در اثر موج آب دریا غرق می‌شود.
عموی وی، نگران از مرگ برادرزاده، نمی‌دانسته چه کند، ناگهان می‌بیند که وی روی آب آمد!
باری، شخص غرق شده کنار ساحل می‌آید و عمویش از او می‌پرسد: چگونه نجات یافتی؟
می‌گوید: در حال غرق شدن، به یاد روضه‌ها افتادم، پس از آن عرض کردم: یا ابوالفضل!
دیدم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام تشریف آوردند و در گوشم فرمودند: بگو یا صاحب الزمان!
من هم متوسل به حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شدم و عرض کردم یا صاحب الزمان! آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تشریف آوردند و مرا نجات داده کنار ساحل آوردند.

دشمن از او می‌خواست تا تسلیم گردد
مردی که اهل خیمه را، سیراب می‌خواست
خود را از تاب تشنگی، بیناب می‌خواست
آمد سراغ شط، ولیکن تشنه برگشت
مردی که حتی خصم را، سیراب می‌خواست
با مشک خالی، امتحان دجله می‌کرد
دریا تماشا کن که از شط، آب می‌خواست!
دشمن از او می‌خواست تا تسلیم گردد
بیعت ز دریای شرف، مرداب می‌خواست!
عمری چو او، در خدمت خفاش بودن این را،
شب از خورشید عالمتاب می‌خواست!
در قحط آب، از دست خود هم دست می‌شست
مردی که باغ عشق را، شاداب می‌خواست
دیشب که شوری در دلم افکنده بودند
طبعم به سوگ عشق، شعری ناب می‌خواست

والحمد لله رب العالمين